

جنبش بنیادگرای فرهنگی مذهبی نوین

(صفحات ۳۹ تا ۶۵)

محمد سالار کسرای^۱ * مجید فاطمی خصال^۲

پذیرش: ۹۴/۴/۶

دریافت: ۹۴/۲/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی جنبش نوظهور فرهنگی-مذهبی در ایران می‌باشد. مسأله اصلی محقق در مورد چگونگی و شیوه عملکرد این جنبش می‌باشد و سؤال تحقیق نیز در مورد چستی اهداف و آرمان‌ها و چگونگی سازماندهی، شیوه‌های عضوگیری و زمینه‌های اجتماعی آن می‌باشد. در این تحقیق برخی از مؤسسات فرهنگی مذهبی موجود در شهرهای مختلف ایران، که فعالیت آنها از یک جنس می‌باشد، جنبش بنیادگرای فرهنگی نام نهاده شد. فعالیت این جنبش به صورت شبکه‌ای و با فنون مختلف جذب جوانان صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه سطح فعالیت این جنبش شهرهای مختلف کشور می‌باشد، اما در این پژوهش دو مؤسسه نور معرفت در کرج و بهشت در تهران به عنوان موردهای مورد مطالعه انتخاب گردید. در نهایت محقق به این نتیجه رسید که جنبش مزبور طی سالیان گذشته به لحاظ کمی و کیفی پیشرفت‌های قابل توجهی نموده و منابع بسیاری همچون منابع انسانی و اعتباری و... را جذب نموده است و به سرعت در حال پیشرفت هستند.

واژگان کلیدی: جنبش اجتماعی، ایدئولوژی، فرهنگ، سبک زندگی، مدرنیته.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (mohammadsalar.kasraie@gmail.com)

۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ نویسنده مسئول (majid.fatemikhesal@gmail.com)

۱. مقدمه

در طول یک‌صد سال اخیر جریان‌ها و تشکل‌های مذهبی در ایران غالباً با احساس خطر در برابر از دست رفتن آموزه‌های دینی در مقابل نفوذ مدرنیته به وجود آمده‌اند. تعارضی که بین دین و برخی از جنبه‌های مدرنیته خودنمایی می‌کند، مذهب‌یون را حساس کرده و پای آنها را به جریان‌های اجتماعی باز می‌کند. نگاهی تاریخی به این موضوع مؤید همین مهم است. نهاد روحانیت تا قبل از ظهور تجددگرایی تنها از منظر دینی و تفسیری (درون مذهبی) قابل دسته‌بندی بود ولی پس از ظهور برخی از جنبه‌های تجددگرایی با مسائل برون مذهبی هم روبرو بوده است (رهبری، ۱۳۸۷). این تحولات از زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار اوج بیشتری گرفت. تأسیس دارالفنون و استخدام معلمین خارجی، اعزام محصل به خارج، ورود فرهنگ بیگانه، تاختن برخی روشنفکران مثل آخوندزاده به دین که آن را موجب ذلت و عقب‌ماندگی می‌دانستند و واگذاری امتیاز رویترا، انحصار تنباکو و برخی از موارد دیگر باعث موضع‌گیری مذهب‌یون و علما شده بود. در دوران بعد از مشروطه تا سال ۱۳۲۰ روند تحولات اجتماعی به ضرر مذهب بود. توسعه از بالای رضاخان که با دین‌زدایی همراه بود، ارتباط مذهب‌یون و مردم را محدود می‌نمود. به نظر می‌رسد مشکل عمده نیروی مذهبی از مشروطه به بعد، گسترش فرهنگ غیردینی در میان رجال سیاسی تهران بود (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۳۶۰).

پس از شهریور ۱۳۲۰ در برابر ترویج فرهنگ غیر دینی، تشکل‌های اسلامی مختلفی به وجود آمد. از جمله آنها می‌توان به انجمن تبلیغات اسلامی، جمعیت جامعه مسلمین، اتحادیه مسلمین و... اشاره نمود. تشکل‌های مزبور و بسیاری تشکل‌های دیگر معتقد بودند که تنها دینی که با تمدن منطبق می‌شود، اسلام است و باید با روش‌های جدید از آن دفاع کرد. بعضی از این تشکل‌ها با تأسیس مدارس جدید وارد میدان شدند. بعضی از آنها بعد از مدتی وارد سیاست شدند و این ورود به نوعی کنترل مسائل مذهبی جامعه بود (جعفریان، ۱۳۸۰: ۷۲). به عنوان نمونه پدیده فداپیان اسلام که پس از یک دوره سرکوبی شدید رضاخان به وجود آمد، هدفش ایجاد حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلامی بود. انجمن حجتیه که اواسط دهه ۳۰ تأسیس شد عکس‌العملی به رشد بهائیت

بود؛ اما در این میان اوج تمام فعالیت‌های جریان‌های نامبرده، ظهور امام خمینی در عرصه سیاسی و اجتماعی بود.

وجه اشتراکی که در جنبش‌ها یا جریان‌های مذهبی یاد شده حائز اهمیت است، ترس از نفوذ غرب‌گرایی و استعمار و دفاع از ارزش‌های مذهبی است. به همین دلیل بسیاری از این جریان‌های مذهبی تصمیم به ورود به عرصه اجتماعی سیاسی گرفتند. بسیاری از جنبش‌ها و جریان‌های مذهبی در ابتدا دغدغه سیاسی نداشتند ولی بعد از مدتی به عالم سیاست هم نفوذ می‌کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و مخصوصاً انقلاب فرهنگی در ایران بسیاری از مذهب‌یون و علما خیالشان از نفوذ استعمار و غرب‌گرایی تا حدودی راحت شد. جامعه‌ای که آنها خواستار آن بودند به وجود آمده بود؛ اما از دهه ۷۰ گرایش به ارزش‌ها و مظاهر فرهنگی و تمدنی غرب مخصوصاً با ورود تکنولوژی‌های جدید، در میان برخی از اقشار جامعه مجدداً پدیدار گشت. با گسترش امکانات جدید ارتباطی به تدریج، جامعه ایران با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه گردید (رفیع‌پور، ۱۳۸۰؛ آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ساروخانی و صدائتی‌فر، ۱۳۸۸). فرایند تغییرات ارزشی، خود را در شکاف‌های بین نسلی به خوبی نشان می‌دهند (عباسی و ایمان، ۱۳۸۶). این گرایش‌ها علاوه بر حوزه اقتصادی و مصرفی جامعه ایران، در سایر حوزه‌ها به خصوص حوزه سیاسی نیز نمود داشت.

از حدود نیمه دهه ۷۰ جنبشی مردمی شکل گرفت که در برابر نفوذ مظاهر و ارزش‌های فرهنگی غرب، عکس‌العمل فرهنگی نشان داد. آنها تحت عنوان مؤسسات خاصی در شهرهای مختلف و به صورت مجزا شروع به فعالیت کردند. خصوصیت مهم این جنبش، تشکیل آن توسط افرادی بود که ایده فرهنگی-مذهبی داشتند. در این پژوهش، فعالیت این مؤسسات و تشکل‌ها را تحت عنوان جنبش بنیادگرایان فرهنگی نام نهاده‌ایم. این جنبش در شهرهای مختلف تحت عناوین متفاوت فعالیت می‌کند. جریان‌های فرهنگی-مذهبی مزبور صرفاً مناسک گرا (برگزارکننده مراسم روضه و دعا) نیستند، بلکه به دنبال دگرگونی اجتماعی گسترده‌تری هستند از جمله می‌توان تغییر در سبک زندگی افراد، ایجاد شبکه ارتباطی بین اعضاء، ورزش اعضاء، ایفای نقش سیاسی، مدیریت فرهنگی، هیأت‌های مذهبی، رشد فرهنگی و مذهبی و اجتماعی افراد نام برد.

در این میان مؤسسه نور معرفت در شهر کرج و مؤسسه بهشت در شهر تهران از فعال‌ترین این تشکل‌ها هستند. این مؤسسات فعالیت خود را از مدارس راهنمایی و دبیرستان شروع کرده و با شگردهای تربیتی خاصی افراد را جذب و جامعه‌پذیر می‌کنند. بر این اساس سؤالی که برای پژوهشگر مطرح است، عبارت از این است که؛ ایده‌آل‌ها و اهداف و مکانیسم‌های رسیدن به این اهداف در جنبش مورد نظر چیست؟

۲. مبانی نظری

برخی از جنبش‌ها صرفاً صبغه سیاسی دارند، اما در این میان برخی از جنبش‌های فرهنگی - مذهبی هم شکوفا شده‌اند که به منظور تحقق اهداف فرهنگی و... ظهور کرده‌اند. به نظر می‌رسد که عده‌ای از افراد جامعه ما در تعارضات و تناقضات فرهنگی دنیای مدرن و سنت‌های پیشین، سرگردان هستند و نسبت به آن اضطراب و نگرانی دارند. این نگرانی به خاطر شکاف اجتماعی می‌باشد که بخشی از فرهنگ مدرن با آموزه‌های دینی و فرهنگی ایجاد نموده است. در این پژوهش، اقدام افرادی که دغدغه از دست رفتن فرهنگ دینی را دارند، تحت عنوان جنبش بنیادگرایان فرهنگی نام نهاده‌ایم. این جنبش اجتماعی کاملاً مردم‌نهاد است و از دل جریان‌های مردمی شکل گرفته است. جنبش مزبور در نقاط مختلف ایران به دنبال تحول و ترویج و تبلیغ الگوهای دینی و انقلابی می‌باشد. از جمله گروه‌هایی که ذیل این جنبش قرار می‌گیرند می‌توان به مؤسسه رهپویان وصال در شیراز، عاشوراییان در اصفهان، یاوران دولت سبز در گیلان، نور معرفت در کرج، بهشت منتظران موعود در تهران و... اشاره نمود. این گروه‌های اجتماعی با یکدیگر نیز در ارتباط هستند. از آن جهت که بررسی همه مؤسسات فعال در کشور برای محقق امکان‌پذیر نبود، و از طرف دیگر همه مؤسسات فعال در شهرهای مختلف ایران، فعالیت‌شان از یک جنس می‌باشد، لذا به بررسی مؤسسه نور معرفت در شهر کرج و مؤسسه بهشت منتظران موعود در تهران به عنوان نمونه‌های تحقیق پرداخته‌ایم.

طبعاً به هر اجتماعی نمی‌توان نام جنبش را تسری داد. جنبش اجتماعی معمولاً به آن دسته از حرکات جمعی اطلاق می‌شود که در آنها عده زیادی از افراد جامعه، هدف

خاصی را تا حدودی بیرون از روش‌ها و نهادهای شناخته شده جامعه پیگیری می‌کنند (جلایی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۵). اینکه دقیقاً این عده چه تعداد عضو باید باشد تا نام جنبش بر آنها نهاده شود اهمیتی ندارد، بلکه مهم‌تر از آن، ویژگی‌های موجود در آن افراد است که گویای جنبش بودن یا نبودن آن جمعیت می‌باشد؛ حال امکان دارد یک جنبش، تعداد بسیار زیادی و یا معدودی از افراد را دارا باشد. محققین تخمین زده‌اند که ده‌ها هزار جنبش نوپدید دینی در جهان وجود دارد که اغلب آنها در آسیا و آفریقا فعالند (بارکر، ۱۹۹۹). اغلب این گروه‌ها تعداد معدودی عضو دارند، برخی در حد چند هزار عضو و فقط چند تایی از این گروه‌ها بیش از یک میلیون عضو دارند (همان، ۱۹۹۹).

در این راستا، نظریه پردازان جنبش‌های اجتماعی، با توجه به تمایزات منحصر به فرد جنبش‌ها، چند ویژگی مشترک را برای همه جنبش‌ها برمی‌شمارند (جلایی‌پور، ۱۳۹۱: ۸۷):

۱. اولین ویژگی این است که جنبش‌ها حول و حوش یک یا چند شکاف اجتماعی (نارضایتی) شکل می‌گیرند و اگر شکاف یا نارضایتی عمومی نباشد، مردم بی‌جهت خود را به زحمت نمی‌اندازند و دست به اعتراض جمعی نمی‌زنند.
 ۲. دوم اینکه در برابر آن شکاف‌ها و نارضایتی‌ها گفتارها یا آگاهی‌های منسجم، معنابخش، هویت‌بخش و راهگشا شکل گرفته باشد. از این جهت جنبش‌ها با شورش‌های کور و بی‌هدف که نقشه‌ای برای آینده ندارند، متفاوت است. شورش‌ها معمولاً فاقد آگاهی‌های منسجم، گفتمان و برنامه هستند.
 ۳. سومین ویژگی مشترک جنبش‌های اجتماعی این است که در جنبش‌ها عده‌ای از افراد، شبکه‌های اجتماعی، تشکل‌های سیاسی و شخصیت‌های بانفوذ سیاسی باید آماده باشند که به‌رغم مخالفت مخالفان (ضد جنبش‌ها و دولت) مطالبات جنبش را پیگیری کنند.
 ۴. ویژگی بعدی به بروز و ظهور آنها و وجه نامرئی آنها در سطح جامعه مربوط می‌شود. تا زمانی که ظهور آنها در جامعه به عرصه عمومی نرسد، گویی حضور آنها در جامعه تأیید نمی‌شود، با این همه تظاهر بیرونی و اعتراض جنبش‌ها لزوماً خیابانی نیست (همان، ۱۳۹۱).
- حال بر طبق موارد بالا و با توجه به ویژگی شماره یک، در مورد جنبش مورد

مطالعه در این جستار (یعنی جنبش بنیادگرایان نوین) می‌توان به شکاف بین سنت و مدرنیته و دورانی که هویت‌های فرهنگی و دینی در حال تغییر است، اشاره نمود. آنها برای انسجام خود و پیشرفت فرهنگی‌شان، لاجرم به تلاش برای ارائه هویت جدید، سازماندهی و تشکیلات و تبلیغ جهانی بنیادی خود پرداختند. بنابراین دارای ایده‌های هویت‌بخش به نوجوانان و جوانان می‌باشند که ویژگی دوم جنبش‌ها در تقسیم‌بندی فوق می‌باشد.

با توجه به ویژگی سوم جنبش‌ها، جنبش بنیادگرایان نوین نیز دارای تشکل و سازماندهی نیروها می‌باشد. فقط مؤسسات فعال در تهران و کرج حدود بیست هزار نفر نقطه ارتباطی دارند و اگر کار سازماندهی شده نداشته باشند، جذب جمعیت تقریباً محال است. لازم به ذکر است که محور کار این جنبش فعالیت‌های شبکه‌ای و غالباً رودررو می‌باشد. همچنین می‌توان به افرادی اشاره کرد که شخصیت‌های با نفوذ سیاسی هستند و در شرایطی به حمایت آنها می‌پردازند، همچون شهردار تهران، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، بعضی از ائمه جمعه و....

در مورد ویژگی چهارم نیز نمونه‌هایی موجود می‌باشند که نشان دهنده ظهور آنها در جامعه و بعضاً اعتراض آنها می‌باشد. شرکت در انتخابات و حمایت آنها از کاندیدای خاصی که به سمع و بصر مردم شهر مربوطه می‌رسد از نمونه حضور در عرصه عمومی است. نمونه‌هایی همچون هیأت‌های عمومی با جمعیت بالا، اردوهای برون‌شهری، برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها و... از تظاهر عمومی این جنبش می‌باشد. این موارد الزاماً اعتراضی یا خیابانی نیست، بلکه بعضی از آنها نمود خیابانی و اعتراضی دارند. نمونه‌ای که نشان‌دهنده اعتراض می‌باشد راهپیمایی و اعتراض علیه قوه قضاییه از طرف مؤسسه بهشت می‌باشد، که در مورد حکم قاتل خلیلی یکی از اعضای مؤسسه که توسط یک جوان کشته شده بود، می‌باشد.

از نظر آلن تورن یک حرکت اجتماعی زمانی جنبش اجتماعی خوانده می‌شود که از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱. دارای هویت مشخصی باشد. ۲. دارای حریف یا دشمن مشخصی باشد. به این صورت که درصدد در هم شکستن نیروی مقاوم مشخصی باشد؛ نیرویی که منافع او را

محدود کرده است. این اصل را تورن اصل ضدیت می‌نامد. ۳- دارای هدف و تفکری باشد که از آرمان‌های بزرگ بشری و ادعاهای بشردوستانه‌ای که مورد قبول و پذیرش همگان است ملهم گشته باشد. ایده‌ها و هدف‌هایی که پیشرفت جامعه را هدف قرار داده باشند. این از نظر تورن اصل همگانی بودن نام دارد (تورن، ۱۹۶۵: ۱۷۶).

یک جنبش ممکن است توسط یک فرد شکل گیرد، در حالی که آثاری را منتشر می‌کند و از رسانه‌های گوناگون برای نشر اندیشه و منش خود بهره می‌برد. ممکن است گروهی به یک جنبش شکل دهند. یک جنبش ممکن است در قالب یک سازمان یا مؤسسه عمل کند و یا بدون تعیین ساختاری به حیات خود ادامه دهد. ممکن است یک جنبش رهبری مشخصی داشته باشد، و یا از رهبری متمرکز برخوردار نباشد. بنابراین فرض این است که جنبش شامل هر نوع حرکت اجتماعی است که در عرصه عمومی ظهور و بروز دارد (مظاهری سیف، ۱۳۹۰).

۳. روش تحقیق

از آنجا که موضوعی همچون مؤسسات فرهنگی و مذهبی از حساسیت خاصی برخوردارند. از طرف دیگر، تحقیق در رابطه با این جریان‌ها و مؤسسات، دارای محدودیت‌هایی مثل پنهان‌کاری و عدم شفافیت و پاسخگویی از طرف بنیان‌گذاران این مؤسسات است، به نظر می‌رسد تحقیقات پیمایشی و کمی نتواند تصویری همه‌جانبه و عمیق از آنها ارائه کند. از این رو پژوهش کیفی به‌عنوان یک‌راه اکتشافی می‌تواند اطلاعات کامل‌تری را نصیب محققان کند. از آن جهت که مطالعه موردی یک مطالعه ژرفانگر است، لذا بررسی عمیق و همه‌جانبه موضوع مورد مطالعه و شناخت کل یک واقعیت اجتماعی در این پژوهش میسر می‌شود. عمیق شدن در این روش ما را به ابعاد پنهان موضوع آگاه می‌سازد. همچنین هر جامعه‌ای چه کوچک و چه بزرگ، یک سری ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که با مطالعه عمیق آن جامعه حاصل می‌شود که به آن کلیت منحصر به فرد نامیده‌اند. این پژوهش به صورت مطالعه موردی از مؤسسه بهشت در شهر تهران و مؤسسه نور معرفت در شهر کرج است. با این روش می‌توان به مطالعه

1. Touraine

دقیق و همه‌جانبه موضوع می‌تواند ما را در جمع‌آوری اطلاعات کافی کمک کند. منطق نمونه‌گیری در این تحقیق، منطق نمونه‌گیری هدفمند است. برای یافتن افراد مورد مطالعه در این تحقیق از تکنیک «نمونه‌گیری عمدی» یا «نمونه‌گیری قضاوتی» بهره گرفته شد. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. پژوهنده با هفت نفر از مؤسسين و مريان اين مؤسسات مصاحبه عمیق نموده است و سپس به اشباع نظری رسیده است. این هفت نفر از کسانی بوده‌اند که در جریان راه‌اندازی و تأسیس مؤسسات مربوطه قرار داشته‌اند و پنج نفر از آنها هم‌اکنون دارای سمت اجرایی در مؤسسات مزبور می‌باشند. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، دست‌اندرکاران و مؤسسان و مسئولین و اعضاء فعال مؤسسات فرهنگی مذهبی بهشت و نور معرفت می‌باشند.

پژوهشگر در این مطالعه از شیوه‌های مصاحبه عمیق، اسناد و مشاهده مستقیم استفاده نموده است.

شیوه مصاحبه در این پژوهش، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساخت یافته است؛ با این هدف که دلایل و زمینه‌های تأسیس و ادامه فعالیت مؤسسات مربوطه از زبان خود مؤسسان درک شود. پیاده‌سازی مصاحبه به این صورت نبوده که همه مصاحبه‌ها یک‌جا انجام شده و پیاده شود؛ بلکه بعد از هر مصاحبه، داده‌های آن پیاده شده و به صورت متن درآمده و سپس مصاحبه بعدی انجام شده است. این کار تا جایی ادامه پیدا کرده که محقق پاسخ خود را از سئولات دریافت کرده باشد و نکات مبهمی به‌جا نمانده باشد.

در مورد اسناد، بهترین سندی که در مورد مؤسسه‌های نور معرفت و بهشت استفاده گردید، اساسنامه مربوط به آنها بود. این اساسنامه حاوی توضیحات در مورد رده‌های علمی، سازمان و تشکیلات مؤسسه، رده‌های هیأتی و تربیتی همراه با ضمایم، پرداخته است.

یکی از راه‌های اکتشاف در موضوعاتی که کمتر به آن پرداخته شده است، مشاهده مستقیم از عملکرد آنها است. محققان جهت انجام این پژوهش بارها به جلسات کاری و هیأت‌های مختلف از جمله هیأت سیده زینب که سخنان آن دبیر کل اتحادیه حضرت رسول است، مراجعه کرده‌اند. یکی از مشاهدات مستقیم، شرکت در اردوی

مشهد مقدس که در تابستان سال قبل برگزار شد، است و اطلاعات بسیار خوبی از نوع ارتباط رده‌های تشکیلاتی و نسبت بین مربیان و متریان به دست آورده است. لازم به ذکر است که پژوهشگران به‌عنوان یک ناظر بیرونی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته‌اند.

۴. تجزیه و تحلیل موضوع

بر اساس قضاوت‌های مؤسسان دو مؤسسه نور معرفت و بهشت، آرمان‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آنها در سطح کلان، مبتنی بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی است؛ به‌عبارتی دیگر، این مؤسسات آرمان‌ها و اهدافشان با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی همسان می‌باشد اما به‌صورت داوطلبانه بنیان‌گذاری شده‌اند. تنها تفاوت آنها این است که ایدئولوژی مشکل‌های مزبور، کوچک‌سازی شده‌اند؛ یعنی مؤلفه‌های اجتماعی بزرگ آن تبدیل به مؤلفه‌های اجتماعی کوچک‌تر شده‌اند.

«ریشه ایدئولوژی انقلاب اسلامی را در ۱. اسلام و ۲. ایرانیت باید پیدا کرد؛ البته ایرانیتی که تفسیر اسلامی از آن می‌شود. این ایدئولوژی بر روی مشکلات و آسیب‌ها متمرکز می‌شود و بر اساس ایدئولوژی اسلامی آن را بازسازی و تفسیر می‌کند و سپس بقیه را همراه می‌کند.»

«مؤسسات بر مبنای تفکر استاد مطهری، ایدئولوژی را نوعی طراحی سبک زندگی بر اساس جهان‌بینی می‌دانند؛ که قصد نزدیک کردن اقشار جامعه را با آرمان‌ها و اهداف و ایده‌های اصلی انقلاب و اسلام دارد. طراحی سبک زندگی بر مبنای اسلام و در چارچوب حکومت اسلامی، می‌تواند در سطح خرد یا کلان زندگی فردی و اجتماعی انجام شود. بنابراین باید جنبش‌های پیرو انقلاب اسلامی را به‌عنوان بازوان ایدئولوژی نظام اسلامی دانست؛ که هرکدام از آنها بخشی از آن تفکر کلان را عهده‌دار می‌باشند.»

ارزش‌های حاکم در این مؤسسات، ارزش‌های اسلامی و شیعی است. این ارزش‌ها با توجه به تقویت هویت ایرانی-اسلامی افراد و اعضاء است. تمام تلاش مسئولین

۱. مسئول مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۲۰
۲. از مؤسسين نور معرفت. ۹۴/۷/۵

مؤسسات نور معرفت و بهشت، ارائه سبک زندگی برای نوجوانان و جوانان، با توجه به فرهنگ اجتماعی ایرانی‌هاست. نوع پوشش، جهان‌بینی، تکلیف‌مداری، جهاد فرهنگی و بسیاری از مفاهیم دیگر، از مصادیق سبک زندگی افراد است که از جانب جنبش به زیرمجموعه تعریف می‌گردد و افراد را جامعه‌پذیر می‌کند. بنابراین هویت جدیدی در افراد شکل می‌گیرد. یکی از مؤسسان مجموعه نور معرفت نقل می‌کند:

«گر از اعضای این جنبش سؤال شود که چرا به دنبال یک شغل پردرآمد نمی‌روی؟ در جواب تکلیف‌گرایی و فعالیت جهادی را مطرح می‌کنند و آیات و روایاتی درباره جهادگران در راه خدا می‌آورند، که هر کس جهاد در راه خدا کند، خدا زندگی او را تأمین می‌کند.»

یکی از کارکردهای ایدئولوژی، ترویج سبک زندگی‌ای است که نهایتاً به تقویت «ما» در جنبش کمک می‌کند و اتحاد مجموعه فرهنگی را رقم می‌زند. «ما» وظیفه تجلی و تبلور ارزش‌ها را بر عهده دارد (روشه، ۱۳۶۶: ۱۰۱). به نظر می‌رسد اساس به وجود آمدن مفهوم «ما» همان هویت مشترکی است که افراد جنبش را همراه و یک‌صدا می‌کند. مبنای اتحاد و حتی کنش جمعی، هویتی است که در میان مشارکت‌کنندگان یا اعضای این جنبش، احساس تعلق را به وجود می‌آورد که به مراتب از حدود مرزهای هر سازمان یا گروه خاصی فراتر می‌رود.

«هویت جمعی و مشترک، باعث تهییج نوجوانان و جوانان می‌شود و یکدلی را در مؤسسه ما به همراه داشته است. این فضا باعث هم‌افزایی نیروها برای کار فرهنگی و انجام مناسک و آیین‌های جمعی و حتی کار سیاسی شده است. انگیزه نیروهای مؤسسه به قدری بالا است که حاضرند از همه مادیات و داشته‌های خود بگذرند تا کاری روی زمین نماند و این همان احساس همبستگی در اعضای مؤسسه است. جوانانی که شاید هرکدام در یک خانواده و فرهنگ خاصی زندگی کرده‌اند، وقتی در یک جمع هم‌دل قرار می‌گیرند احساس مشترکی دارند و بنابراین دارای هویتی دیگر و متفاوت از کسانی

۱. یکی از مسئولین روابط عمومی مؤسسه بهشت. ۹۴/۶/۱۰

می‌شوند که در مؤسسه حضور ندارند.»

«اینکه بعضی‌ها فکر می‌کنند جمعیت زیاد کیفیت را کم می‌کند اشتباه است؛ زیرا که کمیت باعث انسجام بیشتر هویت جمعی می‌شود و منجر به افزایش انگیزش در فعالیت‌های فرهنگی و دینی می‌شود.»

می‌توان گفت اعتراض اصلی آنها به آن بخشی از مدرنیسم است که اثر مخربی بر جامعه اسلامی گذاشته و جوانان را از هدف اصلی آموزه‌های دینی و اسلامی دور نموده است. آنها معتقد به برگشت به گذشته یا ارتجاع نیستند. آنها به دنبال پیوند بین سنت و مدرنیسم، با حفظ ارزش‌های اسلامی هستند. از طرفی آنها کوششی جهت حفظ و نگهداری وضع موجود نیز ندارند. به وضع موجود چه از لحاظ سیاسی و چه فرهنگی منتقدند، بنابراین محافظه‌کار نیز نمی‌باشند؛ ولی نسبت به اصول انقلاب اسلامی محافظه‌کارند. آنها به نفع برخی از تغییرات ضروری حاضر به ترک برخی از سنت‌ها هستند ولی سنت‌هایی که جزء اصول لایتغیر اسلامی و انقلاب نباشد.

«باید بین سنت و مدرنیسم پیوندی برقرار شود که خاستگاه آن آرمان‌های انقلاب است. ما به دنبال گذشته و ارتجاع نیستیم. شاید خیلی‌ها تصور کنند که ما می‌خواهیم یک نمونه‌هایی از جوانان مؤمن دهه شصت تربیت کنیم؛ به نظرم اتفاقاً گذشته ما تطبیق درستی با واقعیت نداشته است، چون مدرنیته را درست نشناخته بودیم که مطابقت دهیم و به این وضعیت دچار شدیم. ما باید سعی کنیم که آرمان‌ها با مدرنیته پیوند بخورند.»

این جنبش بیشتر از روش‌های جدید فرهنگی استفاده می‌کنند و معتقدند در دنیایی که سرعت کار فرهنگی و اطلاع‌رسانی و روش‌های جذب نیروی انسانی تغییر کرده، دیگر نمی‌توان تنها به روش‌های قدیمی و سنتی پایبند بود. بعضی افراد سنت‌گرا، این جنبش‌ها را متهم به انحراف می‌کنند و این دلیلی جز تطبیق با واقعیت و مدرنیسم، ندارد. پس می‌توان آنها را جنبش‌های ترقی‌خواهانه نام برد.

۱. یکی از مربیان مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۷/۳۰

۲. یکی از مسئولین واحد علمی مؤسسه بهشت. ۹۴/۸/۱۲

۳. یکی از مؤسسين نور معرفت. ۹۴/۷/۵

جریان‌شناسی مؤسسات یاد شده برای فهم بیشتر از زمینه‌های فکری و اهداف آنها بسیار حائز اهمیت است. در گونه‌شناسی جریان‌های فکری، در یک سطح کلان جریان‌های فکری به دو بخش جریان‌هایی که دغدغه دین و مدرنیته یا شرق و غرب را دارند و جریان‌هایی که فاقد چنین دغدغه‌ای هستند، تقسیم می‌شود. به‌طور قطع و بر اساس ادعای مؤسسان نور معرفت و بهشت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنها نسبت دین و مدرنیته در نوع زندگی افراد است. اینکه آیا سازگاری میان سنت و دین با مدرنیته وجود دارد یا نه، اینکه سبک زندگی افرادی که جذب می‌شود چگونه باشد، اینکه تعارض‌های موجود بین دین و مدرنیته چیست و اینکه آیا می‌توان توافقی بین مدرنیته و سبک زندگی دینی ایجاد کرد، برای آنها حائز اهمیت است و البته مسئولان این مؤسسات پاسخ‌ها و راهکارهایی هم برای این سؤالات دارند که به آنها پرداخته می‌شود.

«کسی که دغدغه کار فرهنگی دارد، هرگز آن را رها نمی‌کند. آن قدر دوستانی داشته‌ام که با هم شب و روز گذاشته‌ایم و کار فرهنگی کرده‌ایم ولی بعد از مدتی استخدام اداره خاصی شدند و از این فضا فاصله گرفتند. باید دغدغه دین و اسلام و انقلاب داشت.»

«ما معتقدیم ضمن اینکه باید دغدغه دین و کار فرهنگی داشت، باید پیامدهای مثبت مدرنیته را نیز در نظر گرفت. امروزه ما توانایی شناساندن فرهنگ و دین و سیاستمان را به دنیا داریم؛ چون از ابزارهای تبلیغی و جدید می‌توانیم بهره ببریم و نتیجه بگیریم. ما با برخی از آثار مدرنیته که البته خیلی خطرناک هستند، دچار مشکل هستیم؛ مثلاً مدل روابط بین دختر و پسر و کلاً سبک زندگی غربی که منجر به انحراف فرهنگی و دینی جوانان می‌شود. به نظرم دین را باید امروزی کرد و بعضی موانع را حل نمود که پاسخگوی انسان مدرن باشد، این به معنای عوض کردن مفاهیم دینی نیست؛ بلکه برای پاسخگویی به مقتضیات امروز است.»

۱. دبیر کل اتحادیه حضرت رسول.

۲. مسئول مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۱۰

از نظر مصاحبه‌شوندگان، در کار فرهنگی - تربیتی به چند مؤلفه در مورد انسان‌ها باید توجه نمود.

بیداری: بیداری به معنای آگاه شدن فرد نسبت به خود و جامعه و دستورات الهی است.

خودسازی: بعد از اینکه فرد به حقیقت خود آگاهی پیدا کرد، شروع به حرکت در مسیر کمال و عمل به فرمان‌های الهی می‌کند. در این مرحله، انسان از تئوری به عمل راه پیدا کرده و تکمیل خود می‌پردازد.

جامعه‌سازی (دگرسازی): وقتی که مراحل بیداری و خودسازی طی شد، هر انسان اسلامی باید به فکر دیگران و آگاه‌سازی آنها نیز باشد که به آن دگرسازی یا جامعه‌سازی می‌گویند. کسانی که در دین‌داری خود به یقین قلبی و علمی می‌رسند، لاجرم به سوی جامعه‌سازی سوق داده می‌شوند و این موضوع برگرفته از آموزه‌های اسلامی است.

«به نظر من انسان کامل، انسانی است که قلب او برای افراد جامعه‌اش بتپد؛ زیرا روش پیامبر و اهل بیت انسان‌سازی است. بنابراین انسان‌سازی یا جامعه‌سازی از وظایف هر فرد دین‌دار است.»

بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، آنچه که نظام جمهوری اسلامی را بیشتر از همه تهدید می‌کرد تغییرات فرهنگی و جنگ نرم بود. دشمنان جمهوری اسلامی در جنگ نظامی، اقدامات سیاسی و تحریم اقتصادی نتوانستند آنچنان که باید تغییرات ایجاد کنند؛ البته به آن معنا نیست که تأثیر منفی بر روی مردم نداشت، بلکه منجر به تغییرات اساسی در حاکمیت جمهوری اسلامی نشد. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم می‌تواند تغییرات اساسی در تفکرات مذهبی مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی ایجاد کند. مسأله دیگری که باعث ظهور بیشتر جنبش بنیادگرای فرهنگی شده است، سیاست‌مداران و اندیشه‌های فرهنگی داخلی است. نخبگان مبتنی بر نظرات خود طراحی فرهنگی مورد نظرشان را اعمال می‌کنند. برخی از مدل‌های فرهنگی مورد پذیرش بخشی از جامعه نیست. از جمله اتفاقات فرهنگی در ایران، جریان فکری و

۱. یکی از مربیان مؤسسه بهشت. ۹۴/۸/۱۵

فرهنگی بعد از دوم خرداد بود که منجر به عکس العمل عده‌ای از مردم و فعالان سیاسی و فرهنگی گردید. به نقل از مسئول روابط عمومی مؤسسه بهشت:

«بعد از جریان دوم خرداد و آزادی‌هایی که به وجود آمد، باعث موجی از هجمه‌های فرهنگی مثل: رواج بدحجابی، پارتی‌ها، توهین به مقدسات و رشد روزنامه‌های زنجیره‌ای و.. شد که بیشتر دغدغه‌مندان نسبت به دور شدن از آرمان‌های انقلاب حساس شدند. این متدینین هدف از تحركات ضد فرهنگی را از بین بردن روح دینی و اسلامی در جامعه می‌دانستند.»

«جنگ نرم توسط غرب، از قبل طراحی و برنامه‌ریزی شده است. برنامه‌ریزی آنها در سطح فرهنگی و سبک زندگی غیر اسلامی است. بنابراین در برابر ترویج فرهنگ غرب و فشارهای فرهنگی آن باید از ابزار فرهنگی بهره جست. تغییر در سبک زندگی، زبان، حرکت بدنی، موسیقی، منس، کنش زندگی، مدها، مارک‌ها، رواج نمادهای غربی در پوشاک، ظهور عمومی و فرهنگی جنگ نرم است.»

یکی از نگرانی‌های بزرگ جنبش‌های فرهنگی - مذهبی، سبک زندگی غربی در حوزه جوانان است. سبک زندگی، روش زندگی اتخاذ شده به وسیله یک فرد، گروه، ملت یا کشورهای مشترک‌المنافع است. سبک‌های زندگی، ایجادکننده ویژگی‌های یک تمدن یا فرهنگ در زمان و مکان مفروض هستند. سبک‌های زندگی همواره وابسته به معیارهای زندگی هستند.

«به دلیل تهاجم فرهنگی، متأسفانه روابط دو جنس مخالف از ایده آل آرمانی خودش بسیار فاصله گرفته و جامعه را در بهت فرو برده است. روابط نامشروع دو جنس مخالف است که منجر به عدم تمایل به فرزند آوری و سست شدن بنیان خانواده می‌شود و نهایتاً باعث دورتر شدن از مطلوب‌های اسلام و

۱. یکی از مسئولین روابط عمومی مؤسسه بهشت. ۹۴/۶/۱۰
۲. یکی از مؤسسين نور معرفت.

حکومت اسلامی می‌شود.»

یکی از موارد مورد تأکید همه مؤسسان و مصاحبه‌شوندگان، تأکید بر جنگ نابرابر فرهنگی غرب علیه آموزه‌های دینی و اسلامی بود. تهاجم فرهنگی یکی از دستاوردهای غربیان بر ضد اسلام است که در دهه هفتاد به تعابیر مختلفی همچون جنگ نرم یا ناتوی فرهنگی و... از آن یاد شده است. نباید مفهوم تهاجم فرهنگی را با تبادل، تعامل و انتقال فرهنگی یکسان دانست. تهاجم فرهنگی درصدد است تا بدون منطق و استدلال، فرهنگ دین توحیدی را در جوامع دین‌دار تغییر دهد (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۳۲).

«غرب با هجوم فرهنگی و اعتقادی، موجب ایجاد تزلزل در اعتقادات جوانان و متدینین می‌شود و از جمله رهبری که می‌گوید: هدف دشمن ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است.»

مسئول واحد روابط عمومی مؤسسه بهشت تهران می‌گوید:

«در یک تحلیل کلان ما با یک دشمن بزرگ طرف هستیم که قصد تأثیرگذاری بر اعتقادات توده‌های مردم را دارد. این دشمن بزرگ طراحی بزرگی هم دارد که نه فقط ایران بلکه تمام جهان اسلام را در برمی‌گیرد. وقتی دشمنان فهمیدند که از لحاظ سیاسی، نظامی، اقتصادی نمی‌توانند ما را از پای درآورند سراغ استحاله نظام رفتند و بهترین راه استحاله نظام، تغییرات عمده در اعتقادات و فرهنگ توده‌ها است.»

بنابراین طبیعی است که کار خود را از توده‌های مردم و مخصوصاً جوانان شروع کنند. آنها به وجود آمدن این جنبش‌ها را به خاطر هجوم عظیم فرهنگی و این جریان‌ها را پادزهری در برابر آن تهاجم می‌دانند.

«مقابله دشمن در برابر الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، قابل توجه است. این

۱. مسئول مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۲۰

۲. یکی از بنیانگذاران مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۲۰

الگو نگاهی تمدن‌سازانه دارد.»

به اتفاق نظر همه اعضا اصلی مؤسسات نور معرفت در کرج و بهشت منتظران موعود در تهران، مشکل اصلی بسیاری از پیش‌قراولان و فعالان فرهنگی در کشور، عدم اطلاع علمی از روش‌های جذب و کار تشکیلاتی و سازمانی است. یکی از فعالان مؤسسه بهشت در تهران می‌گوید:

«ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر کادرسازی نکنیم و کار فرهنگی عمیق و ریشه‌ای با شیوه‌های عضوگیری حرفه‌ای نداشته باشیم، دو یا سه دهه دیگر چیزی از ارزش‌های دینی باقی نخواهد ماند و ارزش‌هایی که این همه شهید برای آنها جان‌نثاری کردند، برای نسل‌های آینده بی‌معنا می‌شود.»

شیوه عضوگیری در مؤسسات نور معرفت و بهشت منتظران، از طریق مدرسه، اردو، باشگاه ورزشی و هیأت شروع می‌شود و سپس در مؤسسات و کانون‌ها ادامه پیدا کرده و سازمان‌دهی می‌شوند. سن نوجوانانی که مؤسسات مزبور مایل به جذب آنها می‌باشند، از پانزده سال تا هفده سال است. دلیل اینکه آنها این سن را انتخاب کرده‌اند، شرایط ویژه‌ای است که افراد در این سن دارند. قدرت آنها برای تأثیرگذاری بر نوجوان در این سنین بیشتر است زیرا می‌شود در حوزه گرایش‌ها و بینش‌های آنها ورود پیدا کرد و تأثیرگذار بود. منظور از حوزه گرایش‌ها، همان چیزهایی است که با احساسات و عواطف و هیجانات انسان‌ها سرکار دارد. منظور از بینش‌ها نیز آن چیزهایی است که به قوه تعقل و تفکر مرتبط است. مربی‌های مؤسسات مربوطه معتقدند، هم حوزه گرایش‌های جوان و نوجوان و هم بینش‌های آنها باید مورد توجه قرار بگیرد؛ اما به این دلیل که آنها از نوجوانی وارد این فضا شده و اقتضای یک نوجوان شور و اشتیاق و احساسات است، بنابراین باید در حوزه گرایش‌ها تمرکز بیشتری کرد و بعد از اینکه افراد به سن تعقل رسیدند، حوزه بینش آنها مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد.

۱. یکی از مؤسسين نور معرفت. ۹۴/۷/۵

۲. یکی از مسئولین روابط عمومی مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۲۰

«جهان غرب در حوزه عمومی، تأثیرگذاری خود را از حوزه گرایش‌ها انسان‌ها شروع می‌کند و بر بینش‌های افراد متمرکز نمی‌شود؛ البته این به آن معنا نیست که حوزه بینش‌ها را نادیده بگیرند بلکه در ابتدا با تمرکز بر علایق و احساسات، افراد را به سوی خود جذب می‌کنند. بعد از آنکه فرد را در مسیر خاصی قرار دادند، دیگر حوزه بینش‌ها معمولاً تأثیرپذیر از گرایش‌ها می‌شود.»^۱

«ما سنین حدود پانزده تا هفده سال را مبنای تأثیرپذیری می‌دانیم. این سنین را به صورت تجربی و علمی متوجه شده‌ایم. در سنین پایین‌تر و بالاتر معمولاً جذب یا به سختی انجام می‌پذیرد و یا اصلاً شکل نمی‌گیرد؛ پس ما سرمایه‌های انسانی مجموعه را معطل کاری که ریسک آن بالا است، نمی‌کنیم.»^۲

مربیان تربیتی باید قابلیت و توانایی احراز مربی‌گری را داشته باشند. آنها در مدارس به برگزاری مراسم مذهبی، سخنرانی، برگزاری اردوهای درون‌شهری و بعضاً برون‌شهری می‌پردازند. شروع ارتباط با یک دانش‌آموز راهنمایی و یا دبیرستانی به عنوان یک معلمی که قرار هست امتحان درسی بگیرد و سپس نمره‌ای به آن تعلق دهد نیست، بلکه ارتباط در یک فرآیند همراه با محبت شروع می‌شود و اینجاست که حوزه گرایش‌ها مطرح می‌شود.

«در زمانی زندگی می‌کنیم که محبت و عاطفه انسان‌ها به هم کم شده و اگر هم هست، بر اساس یک سری منافع خاصی است. اینکه کسی بدون انتظار به کسی محبت کند و قصد کمک به انسانیت او را داشته باشد، ستودنی است. اینکه یک مربی با دغدغه هدایت‌گری و محبت و صمیمیت، با نوجوانان و جوانان وارد ارتباط می‌شوند، بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد و اینجاست که وقتی آموزه‌های دینی منتقل می‌شوند، تأثیرشان چند برابر زمانی است که

۱. مسئول مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۱۰
۲. از مربیان مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۳۰

ارتباط عاطفی بین مربی و متربی برقرار نشده است.»

وقتی یک مربی نوجوان یا جوان ارتباط قلبی و عاطفی با مربی خود ایجاد می‌کند، در واقع آماده انتقال مفاهیم و کنش‌های دینی می‌شود، به آن معنا که گرایش‌های مربی هم برای او جذاب می‌شود و به عبارت دیگر به او تمایل روحی پیدا می‌کند. آنها به نیت پاک و خیرخواهانه اهمیت خاصی قائل‌اند و معتقدند که اگر هدف، انسان‌سازی نباشد، کار تربیتی و فرهنگی بدون نتیجه می‌ماند. بنابراین هدف از این برقراری ارتباط، ایجاد جذابیت برای رسیدن به اهداف دینی است. بعضی از افراد و صاحب‌نظران، این شیوه را همان مغزشویی تلقی می‌کنند؛ همان چیزی که این جنبش‌ها آن را بمباران عشق می‌نامند. فرقه‌ها و گروه‌هایی که این برجسب‌ها را می‌خورند، از مفهوم اعتقاد زدایی به‌عنوان ضد اتهام استفاده می‌کنند و می‌گویند که این عمل در واقع نوعی مغزشویی است و نه ایمان آوردن اولیه که اتخاذ شده است. شگفتا که آنان با این شیوه غالباً توانسته‌اند همبستگی بیشتری بین افراد در سازمان دینی‌شان ایجاد کنند و اعضایشان را به فرقه وابسته‌تر کنند (بارکر، ۱۹۸۳).

«هدف از ایجاد ارتباط عاطفی با متربی صرفاً وصل شدن او به مفاهیم ارزشی و دینی است و مربیان باید این اخلاص را در خود نهادینه کنند که افراد را به ارزش‌های والای دینی جذب کنند.»

تمرکز کار در مدارس مزیت‌های زیادی نسبت به مکان‌های عمومی دیگر دارد؛ زیرا که عضوگیری نیروهای موردنظر با اهداف از پیش تعیین شده بسیار راحت‌تر است. راحتی کار به این جهت است که از بین تعداد زیادی نوجوان و جوان، می‌شود به انتخاب دست زد. مربی با تجربه و توانایی خودش، حتی با چند برخورد رفتاری با نوجوان یا جوان، توانایی تشخیص این را دارد که آیا فرد موردنظر برای مجموعه فرهنگی مناسب است یا خیر. حضور در مدارس به نوعی یک تأیید ضمنی از طرف مدیر مدرسه به خانواده‌های نوجوانان و جوانان است و باعث مشروعیت دادن به یک مؤسسه مردم نهاد است.

۱. از بنیانگذاران مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۲۰
۲. یکی از مسئولین واحد علمی مؤسسه بهشت. ۹۴/۸/۲۵

«اولین مزیت این است که وقتی در مدرسه‌ای وارد می‌شویم با حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ دانش‌آموز طرف هستیم که حتی می‌شود از بین آنها افرادی را که به معیارهای تشکیلاتی‌مان نزدیک‌ترند را جذب کرد و بعضی از افراد را صرف‌نظر کرد. دومین مزیت حضور در مدارس این است که از تأیید غیرمستقیم مدیر مدرسه استفاده می‌کنیم که بهتر بتوانیم مؤسسه را به جوانان معرفی کنیم.»

«حضور یک مربی با موافقت مدیران مدارس منجر به اعتماد و اطمینان خانواده‌های آنها می‌شود، در صورتی که این اعتماد از طریق یک مؤسسه مردم‌نهاد، کمتر حاصل می‌شود. مزیت دیگر این است که بعضی اوقات از امکانات فرهنگی مدارس نیز می‌توان بهره برد و این کمک بزرگی به یک مؤسسه مردم‌نهاد است.»

روش دوم عضوگیری از طریق روابط اجتماعی با خویشاوندان و همسایگان و هم‌کلاسی‌ها است. وقتی یک نفر جذب جنبش می‌شود، قطعاً دوستانی دارد که با آنها صمیمی است و همین روابط اجتماعی می‌تواند منجر به جذب افراد جدید شود.

«وقتی فرد جدید توسط دوستش وارد مؤسسه می‌شود، باید گفت که او از قبل اعتمادش جلب شده و دیگر کمتر نیازی به جلب اعتماد او و خانواده‌اش است. در واقع آورنده‌ی او قبلاً اعتمادش را جلب کرده و نیاز به سرمایه‌گذاری از جانب نیروهای تشکیلات نیست که خود برگ برنده‌ای برای ما است.»

روش سوم عضوگیری از طریق هیأت است. در طول سال در زمان‌های مختلفی مناسب‌هایی وجود دارد که مردم عادی به هیأت مراجعه می‌کنند. با توجه به اینکه سخنران‌ها و مرثیه‌سرایان موجود در این جنبش‌ها از توهر و توانایی‌های ویژه‌ای برخوردار هستند، هیأت یکی از مراکز جذب نوجوانان و جوانان به مؤسسات مزبور است که در بخش دیگری از این پژوهش به آن پرداخته شده است.

۱. مسئول مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۱۰

۲. مسئول مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۲۰

۳. یکی از بنیانگذاران مؤسسه نور معرفت. ۹۴/۸/۲۰

روش چهارم عضوگیری برگزاری اردوهای زیارتی و تفریحی می‌باشد. بر مبنای اهداف جنبش در عضوگیری و تربیت نوجوانان و جوانان، اردو می‌تواند یکی از ارکان اصلی این مؤسسات جهت نیل به اهدافشان باشد. اردو باعث ایجاد صمیمیت و شناخت بیشتر افراد از هم می‌شود و انگیزش افراد برای ادامه کار تشکیلاتی را در پی خواهد داشت. اگر افراد نسبت به هم انگیزش و واکنش نشان ندهند و شدت هیجانشان بالا نگیرد، هیچ‌گونه رفتار جمعی شکل نمی‌گیرد. اردوهای تشکیلاتی معمولاً چند شبانه‌روز برگزار می‌شود و منجر به آنالیز و تحلیل مریبان از افراد تازه جذب‌شده و رده‌بندی آنها در تشکیلات می‌شود.

«در کار تربیتی و تشکیلاتی نیاز به اتحاد و انسجام تشکیلاتی داریم و اتحاد به وجود نمی‌آید مگر با صمیمیت اعضا که به اعتقاد ما این صمیمیت‌ها در اردوها به وجود می‌آید. انگیزش و صمیمیتی که افراد نسبت به هم پیدا می‌کنند، به این دلیل است که آنها چند شب و روز را در کنار هم سپری کرده و در واقع با هم هماهنگ می‌شوند.»

پنجمین روش جذب، ورزش و باشگاه است. ورزش به عنوان یکی از سه رکنی که راهبردهای این مؤسسات بر آن متکی است، یعنی تهذیب، تحصیل و ورزش، که اهمیت ویژه‌ای در مؤسسات فوق‌الذکر دارد و یکی از منابع جذب محسوب می‌شود. رهبر این مؤسسات که خود دارای دان سه جودو می‌باشد، ورزش را یکی از واجبات مریبان و متریبان می‌داند و به لحاظ تشکیلاتی هم ضوابطی برای آنها در نظر گرفته است. انواع عضویت مبتنی بر اساس نامه اداره مؤسسات مرکز است و به پنج دسته قابل تقسیم اند:

اعضای فعال: کلیه ارادتمندان و محبین اهل بیت که به نحوی با مجموعه هیأت در ارتباط می‌باشند، عضو افتخاری به حساب می‌آیند و حضورشان در برنامه‌ها موجب افتخار خادمین خواهد بود.

اعضای فرهنگی (نقطه ارتباطی): از میان اعضای افتخاری، اعضایی که حضور و فعالیت‌های خاصی که در اسانامه به آنها اشاره شده را داشته باشد، به عضو فرهنگی

۱. یکی از مسئولین روابط عمومی مؤسسه بهشت. ۹۴/۶/۱۰

تبدیل می‌شود.

اعضای فعال: شرایط اعضای فعال عبارتست از حداقل چهار ماه عضویت فرهنگی، تعهد اخلاقی نسبت به حضور به‌موقع در جلسات، شوراها و سایر فراخون‌ها و... که در اساسنامه ذکر شده است.

اعضای پیش‌فعال: اعضای فعال پس از گذراندن دوره‌های آموزشی که در ضمیمه شیوه‌نامه آمده است، و مطابق شرایط اساسنامه به عضویت پیش‌فعال در می‌آیند.

اعضای تشکیلاتی: اعضای پیش‌فعال پس از احراز شرایطی همچون سابقه عضویت ۲۰ ماهه، پشت سر گذاشتن دوره تبیین تشکیلات، سابقه مدیریتی در مجموعه و... را داشته باشند به عضویت تشکیلاتی در می‌آیند.

شاید بتوان مهم‌ترین رکن جنبش‌ها و جریان‌های فرهنگی - مذهبی موفق را کار تشکیلاتی و سازمانی دانست. سازمان‌های رسمی، متشکل از افرادی است که تلاش‌های خود را برای دستیابی به هدف تعریف شده و کاملاً مشخصی هماهنگ می‌کنند.

«تشکیلات یکی از واجبات هر گروه مردمی است که یک هدف را دنبال می‌کنند. تشکیلات یعنی نظم، تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال اعضا؛ این معنای تشکیلات است و بسیار هم ضروری است. هیچ کار در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود.»

«ما سعی می‌کنیم شعاع دیدمان را فقط به محله یا شهر خودمان محدود نکنیم؛ بلکه جهان اسلام و دنیای امروزی را ببینیم. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید.»^۱

تشکیلات و کار سازمانی در مؤسسات نور معرفت و بهشت، تفاوت‌های مهمی با یک سازمان رسمی که بر مبنای بوروکراسی پیچیده اداری مدیریت می‌شود، دارد. اولین تفاوت مربوط به نوع و ماهیت فعالیت‌ها می‌شود. جنبش‌های نوین فرهنگی مذهبی مورد مطالعه، به کمیت نیروهای جذبی بسیار بها می‌دهند.

۱. مسئول مؤسسه بهشت. ۹۴/۷/۲۰

۲. یکی از بنیانگذاران نور معرفت. ۹۴/۸/۲۰

«تعداد نفرات هرچه بیشتر باشد، کیفیت هم بهتر است و کمیت نیروها مانع از کیفیت کار نمی‌شود. وقتی نیروها به صورت تصاعدی ازدیاد پیدا می‌کنند، لازم است که تشکیلات برای آنها تعریف کار داشته باشد.»

در بدو ورود جوانان جذب شده در نقاط مختلف شهر به‌عنوان نیروی عادی سازمان‌دهی می‌شوند و معمولاً در مرکز سازمان که همان مؤسسه بهشت یا نور معرفت است، بعد از طی مراحل وارد می‌شوند. مسئولین این جنبش از پیچیدگی سازمانی و تشکیلاتی پرهیز می‌کنند.

«خصوصیت بسیار مهم این تشکیلات این است که افراد با دلسوزی کارها را پیگیری می‌کنند تا به نتیجه نائل آیند و در این بین شاید اقدامی داشته باشند که حتی مسئول بالاترشان متوجه نشود.»

یکی از مشابتهای آنها با سازمان‌های بوروکراتیک، تخصصی شدن کارها است. در مؤسسات مزبور نیز افراد، در زمینه‌هایی که تخصص و استعداد دارند به کار گماشته می‌شوند. دومین مشابته آنها با سازمان‌های بوروکراتیک، رعایت سلسله‌مراتب است.

«ما یک تشکیلات هستیم که از سنت و مدرنیته استفاده می‌کنیم تا به اهدافمان برسیم. سازمان‌دهی مجموعه بسیار برایمان مهم است؛ ولی نباید هدف را فراموش کرد. بنابراین سازمان‌دهی و تشکیلات باید کمک به پیشروی باشد نه اینکه پیچ و خم کار را افزایش دهد و سرعت را کند نماید. اعضاء باید از مسئول بالاتر خود دستور بگیرند، اما تا حدی صاحب اختیار نیز می‌باشند.»

مسئولین این مؤسسات اعضا را به‌صفت ستاد تقسیم نموده‌اند. منظور از صفت، افرادی هستند که در کانون‌ها و هیأت‌ها فعالیت می‌کنند و منظور از ستاد، افرادی هستند که در انماها و مؤسسات مشغول به فعالیت هستند.

۱. یکی از مؤسسين نور معرفت. ۹۴/۷/۵

۲. یکی از مسئولین واحد علمی مؤسسه بهشت. ۹۴/۸/۲۵

۳. یکی از مؤسسين نور معرفت. ۹۴/۷/۵

۵. نتیجه‌گیری

در این مطالعه تلاش شده است که جنبش بنیادگرایی فرهنگی در ایران با توجه به دغدغه‌های مؤسسين و فعالان آنها مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرد. شکاف اجتماعی به‌وجود آمده از ورود بخشی از مدرنیته که با آموزه‌های دینی و مذهبی در تعارض هستند، محور اصلی این مطالعه می‌باشد. در رابطه با آرمان‌ها و اهداف جنبش بنیادگرایی فرهنگی باید اشاره کرد که آرمان‌ها و اهداف کلان آنها منطبق با آرمان‌ها و اهداف جمهوری اسلامی می‌باشد؛ اما این جنبش آنها را کوچک‌سازی نموده است، به این دلیل که آنها فقط بعضی از کارکردهای ایدئولوژی انقلاب اسلامی را عهده‌دار هستند و آن هم بیشتر کارکرد فرهنگی می‌باشد.

این جنبش در مقیاس کوچک‌تر قصد توسعه فرهنگی و صدور آن به دیگر کشورها و از جمله کشورهای اسلامی را دارد. به عنوان نمونه مؤسسه بهشت در این سه سال اخیر در کشور جنگ‌زده سوریه، چهار مؤسسه فرهنگی بنیان نهاده است و به توسعه فعالیت خود می‌پردازد. از آن جهت که این جنبش کاملاً مردم‌نهاد است، کاملاً به صورت مستقل از حاکمیت تأسیس شد و به حرکت خود ادامه داد، هرچند بعضی اوقات از منابع دولتی نیز بهره برد ولی بخشی از حاکمیت نیز نه‌تنها به آنها کمکی نمی‌کنند، بلکه مخالف توسعه آنها نیز هستند.

ایدئولوژی حاکم بر این جنبش ایرانی-اسلامی می‌باشد، به این معنا که پایه ایدئولوژی اسلامی است اما از مؤلفه‌های ایرانیت نیز بهره گرفته شده است. یکی از کارکردهای ایدئولوژی این جنبش، القاء هویت جدید به افراد جدید است. طبیعی است که هویت جدید و مشترکی که در این ایدئولوژی به اعضا القا می‌شود، منجر به ایجاد خودی (ما) و غیرخودی در افراد می‌شود و اعضا خود را صاحب معرفتی می‌دانند که دیگران را از آن محروم می‌دانند.

این جنبش مثل بعضی از جنبش‌های دینی صرفاً به مناسک دینی نمی‌پردازد، بلکه روشن‌گری فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را رسالت مهمی می‌داند و مخالف جدایی دین از سیاست می‌باشد. خاستگاه اصلی آنها در فضای سیاسی، تحول فرهنگی در راستای ارزش‌های اسلامی-شیعی و اصول لایتغیر اسلامی، با توجه به قرائت‌شان از اصول اسلامی-شیعی و انقلاب اسلامی می‌باشد و هر گروه و جریان سیاسی که این

نگاه را نسبت به اصول و ارزش‌ها نداشته باشد را پذیرا نیستند. مخالفت آنها با جریان سیاسی مخالف به صورت اعتراض جمعی و بحران‌های اجتماعی نیست، بلکه با ابزار فرهنگی و به صورت نرم می‌باشد؛ دلیل آنها در مخالفت با بحران‌سازی و خشونت این است که آنها به دنبال تضعیف حاکمیت اسلامی نیستند و حتی قصد تقویت آن را نیز ندارند. جنبش مزبور از نظر محتوای ایدئولوژی، ارتجاعی نیست و حتی پی‌گیر پیوند با آن بخشی از مدرنیسم است که تعارضی با اسلام شیعی ندارد؛ ولی از لحاظ فرهنگی بنیادگرا هستند و فرهنگ غربی را انحراف می‌دانند اما طریقه مبارزه با آن را با ابزار فرهنگی و به صورت نرم پی‌گیری می‌کنند. این جنبش در برابر جمهوری اسلامی محافظه کار می‌باشد.

اعضای این جنبش طرفدار گفتمان روشنفکری دینی اجتهادی می‌باشند که به نمایندگی از امام خمینی و علامه طباطبایی و شهید مطهری دنبال می‌شد، که نظریه پردازان آن به دنبال ارائه پیشنهادی برای تحقق پیامدهای مثبت دنیای مدرن و پرهیز از پیامدهای منفی مدرنیته و غرب زدگی است. جنبش‌های مزبور، پیامدهای منفی مدرنیته را در عرصه فرهنگ و اقتصاد و سیاست می‌دانند.

در رابطه با زمینه‌های به وجود آمدن این جنبش باید گفت، جنبش مذکور تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلامی - شیعی را از کارکردهای همیشگی خود می‌داند و مراحل رشد انسانی را بیداری، خودسازی و جامعه‌سازی می‌داند. آنچه که مورد تأکید مؤسسان این جنبش می‌باشد زمینه‌های داخلی و خارجی ایجاد مشکلات فرهنگی بود. این مؤسسات عمدتاً از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به وجود آمدند. آنها تفکر فرهنگی دولت اصلاحات را خطری برای فرهنگ دینی ایران می‌پنداشتند و از تسامح دولت در برابر ورود فرهنگ غربی احساس خطر می‌کردند. در مورد زمینه خارجی نیز جنگ نرم و القاء سبک زندگی غربی در زندگی روزمره مردم و جوانان را خطر مهمی می‌پندارند، لذا بنای کار فرهنگی را بر جوانان و نوجوانان نهاد. آنها از لحاظ منابع فرهنگی نیز دارای نرم‌افزار تربیتی و تخصصی می‌باشند، از نظر منابع اجتماعی - سازمانی نیز دارای سازمان نسبتاً قوی و پایدار می‌باشند، از لحاظ منابع مالی نیز با بیشتر با کمک‌های مالی و امکاناتی مردمی اداره می‌شود، اما منابع داخلی محدودی در کار

تولیدی و توریستی نیز دارند. جنبش مربوطه با تمرکز بر گرایش‌های جوانان به فعالیت می‌پردازد و شیوه بسیج منابع انسانی و عضوگیری‌اش را بر محور مدارس، هیأت‌ها و اردوهای مختلف پی‌گیری می‌کند. منظور از حوزه گرایش‌ها، احساسات و عواطف می‌باشد که در جوانان تأثیر زیادی دارد و منجر به تشکیل گروه‌های دوستی و علائق بین مربی و متری می‌شود. مهم‌ترین منبع جذب مدارس راهنمایی و دبیرستان می‌باشند، مربیان در مدارس به‌عنوان مبلغ حاضر شده و بعد از مدتی نوجوانان و جوانان را به عضویت در مؤسسه و ساختار مورد نظر خودشان جذب می‌کنند. یکی از شیوه‌های دیگر جذب نیز اردوهای برون‌شهری می‌باشد که در طی چند شبانه روز در مکان‌های زیارتی و تفریحی برگزار شده و منجر به صمیمیت اعضا جدید و مربیان می‌شود. بر اساس یافته‌ها اردو کارکردهای مهمی دارد که به‌طور خلاصه انتقال فرهنگی، همبستگی گروهی، انتخاب استعدادها برتر و ایجاد رقابت در جهت بروز استعدادها، جامعه‌پذیر کردن فرد، نقش‌پذیری و فعالیت گروهی از اهم آن می‌باشد. بروز احساسات و عواطف دینی و مذهبی نیز از طریق هیأت انجام می‌پذیرد. هیأت دارای کارکردهای آشکار و پنهان می‌باشد که عبارتند از: نقش‌آفرینی سیاسی، اسوه‌سازی، تقویت باورهای دینی، تقویت همبستگی تشکیلاتی، تثبیت نظام اخلاقی، حفظ الگوی جنبش. با همین شیوه‌های بسیج منابع انسانی و عضوگیری، هم‌اکنون جمعیت مؤسسات نور معرفت و بهشت در تهران و کرج حدود بیست‌هزار نفر متشکل از اعضای فعال و عادی می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار مخصوصاً به لحاظ کمی در این جنبش سازماندهی نیروها و کار تشکیلاتی می‌باشد. از آن جهت که آنان به دنبال نیروهای بیشتر برای فعالیت در شهرهای مختلف و حتی بعضی کشورهای اسلامی دارند، لذا جمعیت زیاد برایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بازتولید نیروها فقط از طریق کار سازماندهی شده و تشکیلاتی امکان‌پذیر می‌باشد. مطالعه مؤسسه نور معرفت و بهشت نشان می‌دهد که آنها به دنبال یک فرآیند پیچیده بوروکراتیک نیستند، و می‌خواهند زودتر به هدف و نتیجه نائل آیند. سازمان آنها از نوع کمتر ساختمند می‌باشد و حدودی از اختیار را به زیرمجموعه خود می‌دهند. دو مؤسسه مزبور همچنین نیروها را به صف و ستاد تقسیم‌بندی نموده‌اند و رتبه‌بندی مد نظرشان در اساسنامه آنها موجود می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آزادارمکی، تقی؛ زند، مهدی؛ خزاعی (۱۳۸۱). روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۲ (۴۵-۴۴): ۱-۲۴.
- تورن، آلن و خسروخاور، فرهاد (۱۳۷۹). جست و جوی خویشتن (ترجمه متقی)، خلاصه مقاله در کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۱ و ۴۲: ۶۴.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۱). لایه‌های جنبشی ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷، ۴: ۳۵-۸۷.
- پارسانیا، حمیدرضا (۱۳۸۹). حدیث پیمان‌ه؛ پژوهشی در انقلاب اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران؛ مروری بر جریان قصه خوانی، ابعاد و تطور آن در تاریخ اسلام و ایران، تهران، نشر بینا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی (ترجمه منوچهر صبوری) تهران، نشر نی.
- نش، کیت (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست و قدرت (ترجمه محمدتقی دلفروز)، تهران، انتشارات کویر.
- دلپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی (ترجمه محمدتقی دلفروز)، تهران، انتشارات آگاه.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰). توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۵). جامعه، احساس و موسیقی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول اصول و مبانی، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم و مطالعات فرهنگی.

ب) منابع لاتین

- Anthony, D. and Robbins, t. (1982). spiritual innovation and the crisis of American civil religion, in M, Douglas and S. tipton (eds) religion and america: spirituality in a secular Age. boston: beacon press .
- Barker, E. (1983). with enemies like that: some functions of deprogramming as an aid to secrarian membership... New York: Edwin Mellen
- Eileen Barker, (1999). New Religious Movements: their incidence and significance, New Religious Movements: challenge and response, Bryan Wilson and Jamie Cresswell editors, routledge publishing .